

# پدیدارشناسی آیین‌های خاکسپاری در باورهای اسلامی (با تکیه بر رویکرد میرچا الیاده)

فاطمه نمازی<sup>۱</sup>، محمد غفوری نژاد<sup>۲</sup> و علیرضا صیادنژاد<sup>۳</sup>

## چکیده

آیین‌های خاکسپاری، از جمله آیین‌های دینی و فرهنگی ملل به‌شمار می‌آیند که همواره بر آن تأکید و توجه بوده است. در مطالعات جدید دینی-فرهنگی، چنین آیین‌هایی را در دسته «آیین‌های گذار» قرار می‌دهند که هدف آنها ترغیب انسان در گذار از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر و آماده‌سازی او در چنین مرحله پراهمیتی است. هدف مطالعه چنین باورهایی، بازخوانی ریشه‌ای آیین‌های مشترک انسانی در مجموعه ادیان و فرهنگ ملل است تا میزان اشتراک، تشابه و اصالت قدسی و فرهنگی آنها معلوم شود.

بدین منظور متن حاضر می‌کوشد با رویکردی متناسب با پدیدارشناسی دینی، به مطالعه باورهای اسلامی در تاریخ اسلامی پیرامون آیین‌های خاکسپاری - در مجموعه آیات، روایات و فرهنگ‌های عامیانه مسلمانان - اقدام کند؛ این‌گونه امکان مقایسه و تطبیق

۱. دانشجوی دکتری. شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)  
(namazi959@gmail.com)

۲. عضو گروه شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و مدیر گروه ادیان پژوهشکده امام رضا (ع) قم  
(ghafoori@urd.ac.ir)

۳. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم (۱۱۰) (sayad@gmail.com)

هرچه بهتر آنها با آیین‌های سایر ادیان و ملل فراهم شده و ریشه‌های فطری، انسانی و اجتماعی آنها به سنجش درمی‌آید.

بهره‌گیری از چنین رویکرد مطالعاتی، بی‌شک امکان فهم جدیدی از معارف اسلامی و آیین‌های دینی را برای مؤمنین فراهم می‌کند؛ معارفی که گاه پیش از این، پوشیده مانده است. همچنین، چنین روش مطالعاتی، امکان گفت‌وگو با دیگر ادیان را براساس مفاهیم مشترک بیش از پیش می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: آیین‌های خاکسپاری - آیین‌گذار - تدفین اسلامی - بقیع - پدیدارشناسی دینی.

## مقدمه

در باور مردم‌شناسان جدید، یک دین، واحد مرکبی از اسطوره‌ها، باورها و آیین‌هاست که همگی ملازم یکدیگرند (واخ، ۱۳۹۴ش، ص ۲۳). اسطوره، مناسک و آیین‌ها، مانند ماشین زمانی عمل می‌کنند که انسان را به گذشته کهن و مقدس آغازین برگردانده تا به امر قدسی نزدیک‌تر شده و زندگی انسان را مقدس‌تر کند (الیاده، ۱۳۸۵ش، ص ۴۳۰)؛ وضعیتی که انسان‌ها در آغازین آفرینش از آن برخوردار بودند (الیاده، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰). بر این اساس، همه آیین‌ها دنبال هدف و غایتی والا هستند؛ چنین رفتارهایی همه اعتبار و ارزش خود را از تقلید و تکرار رفتار و سیره قهرمانان، به‌عنوان ملاک و معیار واحد، اخذ می‌کنند (الیاده، ۱۳۶۷ش، ص ۱۸) و سیره و تاریخ قهرمانان دینی (پیامبر ﷺ و ..)، پشتوانه‌ای برای آنها به‌شمار می‌آید.

در آداب شیعیان امامیه هم زیارت، توسل، شفاعت، نماز جماعت، قربانی، تدفین، جشن‌ها و آیین‌های عزاداری نمونه‌هایی از مناسکی‌اند که همچون آیین‌های جمعی دیگر ادیان، بیشتر به‌گونه جمعی برگزار می‌شوند که جان مک‌کوری<sup>۱</sup> تعبیر «بزرگداشت شعور جمعی» را برای آنها استفاده می‌کند، (واخ، ۱۳۸۰ش، ص ۲۸) حتی اگر خود مؤمنان به این مهم توجه نداشته باشند. آنان درک نمی‌کنند که از تأثیرات و نتایج مهم باورهای دینی و آیین‌های مذهبی، یکپارچه‌سازی جامعه دینی است. (همیلتون، ۱۳۷۷ش، ص ۱۷۹) بر این اساس، حفظ و تداوم چنین آیین‌هایی در یک جامعه از امور لازم و چشم‌ناپوشیدنی است و آسیب زدن به آنها ضربه جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌کند.

مرگ، بنیادی‌ترین موضوعی است که همه آیین‌های تشریف و گذار به‌نحوی

1. Mac Cory, John .

با آن ارتباط پیدا می‌کنند؛ چراکه تجربه‌ای از جدایی و گسیختگی از جهان را موجب شده و تداوم در جهان ناشناخته دیگری را رقم می‌زند که شخص را در تماس با خدا و موجودات فوق طبیعی قرار می‌دهد. از این رو مؤمنین می‌کوشند تا با برگزاری آیین‌های خاصی، که گاه از زمان احتضار آغاز می‌شوند، انسان را با این تجربه ناشناخته و ترسناک آشنا ساخته و او را برای پذیرش آن آماده کنند. هدف انسان مذهبی از برگزاری آیین‌هایی، مانند «آیین‌های خاکسپاری» رسیدن به سطحی فرانسائی است (الیاده، ۱۳۹۹ش، ص ۱۳۹).

آیین‌های خاکسپاری اسلامی، از غسل گرفته تا نماز میت و ...، همگی آیین‌های مهم گذار و تشریف دینی به‌شمار می‌آیند که آغاز مرحله نوینی در حیات انسانی را نوید می‌دهند و او را آماده سفر به دنیای مقدسی می‌کنند که پاکیزگی‌هایی، مانند غسل‌های سه‌گانه، لباس‌های سفید و به‌دور از آرایش، شرط آن است؛ صورتی که برای آیین‌های نوزایی دینی، مانند حج و زائرین حرم بیت‌الله الشریف نیز ضرورت دارد.

### جایگاه قبرستان بقیع میان مکان‌های مقدس اسلامی

بقیع در لغت، به زمین گسترده‌ای گفته می‌شود که گیاهان فراوانی در آن روییده باشد (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۴). قبرستان بقیع در زمان رسول‌الله ﷺ زمینی در نزدیکی مسجدالنبی ﷺ بود (صبری پاشا، ۱۳۷۷ش، ص ۴۴۷) که پیش از اسلام با درختان غرقه و خبجه پوشیده شده بود و پس از اسلام برای دفن اموات مسلمان استفاده می‌شد. پس از دفن ابراهیم، پسر رسول‌الله ﷺ (م. ۱۰ق) کنار عثمان بن مظعون (م. ۲ق) مردم به دفن اموات خود در قبرستان بقیع، تمایل پیدا کرده و پیرو رسول‌الله ﷺ اموات خود را در آنجا دفن کردند. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۰) امروزه بقیع به مسجدالنبی ﷺ و مدفن رسول‌الله ﷺ متصل شده و به مکان مقدسی بدل شده است.

تعیین یک مکان مقدس، گاه به اختیار و دلخواهانه نیست (الیاده، ۱۳۸۷ش، ص ۲۶) و به عواملی، مانند وحی، وقایع مهم مذهبی یا دفن انسان مقدسی در آن مرتبط است. در مسیحیت اولیه، مقابر شهدا و کشیشان برجسته موجب تقدس یک مکان یا کلیسا می‌شد (بررتون، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۱). محل دفن پیامبر اسلام ﷺ و بسیاری از ائمه شیعه علیهم‌السلام نیز بر همین مبنا به مکان مقدسی برای مسلمانان و شیعیان بدل شده است. گاه چنین مکان‌هایی با وحی تعیین می‌شود؛ چنانچه در منابع اسلامی نقل شده زمانی که رسول‌الله ﷺ دنبال مکان مناسبی برای دفن اموات مسلمین در اطراف مدینه بودند، به زمین بقیع رسیدند، آن مکان را برگزیدند و بیان فرمودند: «به من امر شده که این مکان را انتخاب کنم» (ابن ملقن، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۷۲۷). از آن زمان به بعد پیامبر اسلام ﷺ همواره به بقیع رفته و برای مدفونین آن طلب مغفرت می‌کردند (همدانی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۴۷۱).

پیامبر ﷺ بقیع را مقبره خودشان می‌دانست که هرکس در آن دفن شود مشمول شفاعت پیامبر ﷺ قرار می‌گیرد (ابن زبale، ۱۴۲۴ق، ص ۲۰۵). همین امر موجب اهتمام مسلمانان به مقبره مطهر حضرت رسول ﷺ و فضای پیرامون آن، یعنی قبرستان بقیع شد. زیارت چنین مکان‌های مقدس و مدفونین آن، زیارت سنگ‌ها یا دیگر امور جسمانی نیست، بلکه همه تقدس آنها در تقدس‌های آسمانی ریشه دارد و ابویوب انصاری (م. ۵۲ق) زیارت قبر نبی اکرم ﷺ را زیارت خود رسول‌الله ﷺ برمی‌شمرد (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۲۲) که برتر از کعبه، عرش الهی، بهشت عدن و افلاک است (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۵۵)؛ به همین دلیل اصحاب همواره زائر قبر رسول‌الله ﷺ بوده و گاه روی آن آب پاشیده (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۳) و توسل (ابن ابی شیبیه، ۱۹۸۹م، ج ۷، ص ۴۸۲) و تبرک می‌جستند (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۵).

بقیع مکان مقدسی است که محل عبادت رسول‌الله ﷺ بوده و خداوند حشر

اموات (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۹۴) و چهره واقعی جبرئیل (غزالی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۰۵) و جایگاه واقعی امام علی علیه السلام را در آنجا نمایان ساخت (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳۱، ص ۶۲۴) (برزنجی، ۱۹۹۸م، ص ۲۷۹). همچنین بقیع در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله مکان مقدسی برای جشن‌های اسلامی مانند عید فطر و قربان و اجتماع مسلمین بود. (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۵۳) تقدس مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و فضای پیرامون آن به قدری است که در زمان آفرینش انسان، خاک حضرت آدم علیه السلام هم از آنجا برداشته شد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۹۰).

### آفرینش خاکی انسان در باور ملل و ادیان

از نظر لیاده، محور و مرکز همه اسطوره‌های ملل، واقعه «آفرینش» است (۱۳۰، ۱۹۵۹م، Eliade)؛ واقعه پراهمیتی که با آفرینش انسان، به‌عنوان برترین مخلوق، کامل شد. انسان اگرچه جزء و موجودی از موجودات این جهان است، اما به دلیل امتیازات و ویژگی‌های خاص خود، عالم صغیری مقابل عالم کبیر (جهان) به‌شمار می‌آید (۱۵، ۱۹۵۴م، همان) که صلاحیت و قابلیت حمل نفخه و امانت الهی را دارد (الیاده، ۱۳۹۸ش، ص ۲۰۸ و سوره حجر: ۲۹)؛ امانتی که با عنصری زمینی آمیخته شده و انسان را تکمیل می‌کند.

در اسطوره ملل از جنبه آسمانی انسان تعابیر مختلفی وجود دارد؛ در باورهای سومری به اشک خدایان (فیروزی، ۱۳۹۳ش، ص ۵۶)، در باورهای بابلی به خون خدا (کاویانی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۴۵)، در اساطیر مزدایی و مانوی به نور (الیاده، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۳۱۲)، و در تعبیر قرآنی به نفخه الهی (سوره ص: ۷۲) تعبیر می‌شود. باور به خاک بودن جنبه ناسوتی انسان، در اقوام و ملل مختلف انسانی مشترک به‌شمار می‌آید.

خاک به‌عنوان ماده و عنصر زمینی انسان است که نقشی مادینه‌ای دارد توسط ریزش‌ها و بذرافشانی‌های آسمانی خود، آسمان، به‌عنوان موجودی نرینه،

بارور شده و زایش انسان را رقم می‌زند (الیاده، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۳۱۲). آفرینش انسان از خاک در باور ادیان نخستین هم حضوری جدی دارد. در قبایل بومی کولین،<sup>۱</sup> (ساکنین جنوب شرق استرالیا) خدای بونجیل<sup>۲</sup> (ذات اعظم و متعال)، که در بلندترین جای آسمان (کوه‌ها) ساکن است، پس از آفرینش زمین، درختان و جانوران، یک زوج را از گل ساخت و در آنها دمید. (الیاده، ۱۳۹۴ش، ص ۶۰) در اسطوره‌ای از قوم «دنیکا»، که ساکنان سودان بودند، خداوند نخستین زن به نام گارانگ<sup>۳</sup> و نخستین مرد به نام عبوک<sup>۴</sup> را از گل سرشته و پیمانہ زد (پاریندر، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱). داستان آفرینش کیهان‌زایی در اسطوره‌های بین‌النهرین بدین‌سان آغاز می‌شود که مردوک پس از کشتن تیامات (خدا/غول بزرگ)، پیکر او را دو نیم کرده و از نیمه پیکرش آسمان را برافراشت و از نیمه دیگر، زمین را (ژیران، ۱۳۷۵، ص ۶۲). بنابراین اندام مادر نخستین (تیامات) خاک پهنه زمین شد (هوک، ۱۳۸۱ش، ص ۴۹) و مردوک با دستان خود این خاک را با خون خدای کینگو<sup>۵</sup>، سرشت و اولین انسان به نام «لولو»<sup>۶</sup> را خلق کرد. (وبر، ۱۳۷۶، ص ۵۶)

در روایت‌های سومری هم انسان از قالب‌گیری صنعتگران الهی از گل رسی که از خاک‌های مگاک (گودال) بود به‌وجود آمد. (هوک، ۱۳۹۱ش، ص ۳۱) حماسه گلیگمش<sup>۷</sup> هم به آفرینش انسان از قطعه‌ای گل اشاره دارد (شاله، ۱۳۵۵ش، ص ۲۴۴)؛ باوری که در قبایل سرزمین‌های نیوزیلند، استرالیا،

1. Kulin.
2. Bundijil.
3. Carang.
4. Abuk.
5. Kingo.
6. Lolo.
7. Gilgamesh.

سرخپوستان آمریکای شمالی و قبایلی از نقاط مختلف افریقا و... نیز وجود داشته و محور آفرینش در فرهنگ چین هم به‌شمار می‌رود (باجلان فرخی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۲) و در همه اسطوره‌های ایرانی نیز یافت می‌شود (دینکرد، ج ۱، ص ۲۹). در باورهای مصر باستان آتوم<sup>۱</sup> خدای آفریننده‌ای است که در هلیوپولیس<sup>۲</sup>، انسان را از موجودی به نام «گب»،<sup>۳</sup> که زمین است، خلق می‌کند. همین باور در اقوام سامی تکرار می‌شود (رسولی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۳) و خود را در فرهنگ یهودی نیز نفوذ می‌دهد. آیه نهم تورات بیان می‌کند که چیزی همچون فواره یا چشمه از زمین بالا می‌آید و سطح زمین را خیس می‌کند. پس از آن یهوه همچون یک سفالگر سرشتن انسان را آغاز کرده و پس از تکمیل شدن جسم، نفخه حیات را به او می‌دمد. تورات عبری برای ساختن انسان از واژه‌ای بهره می‌گیرد که برای کار سفالگران استفاده می‌شود (الیاده، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۲۱۲). در باورهای اسلامی هم انسان از خاکی آفرینش شده است که تا زمانی که نفخه الهی به او عطا نشده، در مرحله آشوب و بی‌هویتی و «لاشی» (سوره مریم: ۹) باقی مانده با ترکیب شدن آب، که جنبه‌ای آسمانی دارد، آفرینش انسان آغاز می‌شود (سوره اعراف: ۱۱). در اوپانیشادها آب مایع شده نور است (بهمنی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۴) و همین ماهیت آسمانی موجب برتری بر شیطان می‌شود (سوره حجر: ۲۹). در برخی از تفسیرهای اسلامی پیرامون روایت «کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین»<sup>۴</sup>، روح به‌منزله آب در نظر گرفته می‌شود و جسد را با خاک تطبیق می‌دهد. (بخشی زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۵) این مرحله، همان مرحله صورت‌گری (سوره اعراف: ۱۱) و مقام انسانیت (سوره حجر: ۲۹) و خلیفه‌اللهی است که مسجود فرشتگان الهی می‌شود (سوره بقره: ۳۰-۳۴).

1 .Atum.

2 .Heliopolis.

3 .Geb.

۴. فخر رازی، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۶، ص ۱۹۹، ذیل آیه ۲۵۳ بقره.



## ویژگی‌های خاک آفرینش

افزون بر اشتراک فرهنگ انسانی در آفرینش انسان از خاک، ویژگی‌های خاک آفرینش انسان هم امر مشترکی است که در ادامه به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

### چهار جهت کیهانی

در باور ملل، زمین از مرکز یا ناف خود به چهار جهت کیهانی گسترش پیدا کرد. چنین باوری میان ملل، باور مشترکی است که در سنت‌های عبرانی، اسطوره‌های هندی و فرهنگ یونانی و ژرمنی و دیگر فرهنگ‌ها دیده می‌شود. (الیاده، ۱۳۹۵ش، ج ۲، ص ۱۶۷) چنین باوری در فرهنگ‌های اسلامی هم وجود دارد که براساس آن کعبه در ناف زمین است (شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۹۰) و زمین از زیر آن در راستای چهار جهت کیهانی گسترش یافته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۳، ص ۵۵۷).

در فرهنگ ملل، انسان عالمی صغیر مقابل عالم کبیر است (۱۵، ۱۹۵۴م، Eliade)؛ به همین دلیل برخی ویژگی‌های جهان را باید در خود داشته باشد؛ بر همین اساس است که خاک آفرینش آن هم از چهار گوشه جهان جمع‌آوری شده است. در باورهای یهودی خدا خاک آدم را از همه زمین و چهار جهت دنیا برداشته تا هر جا انسان بمیرد، زمین بدن او را برای دفن قبول کند. کتاب اسرار خنوخ نام آدم (A,D,A,M) را برگرفته از نام‌های چهار جهت کیهانی در زبان یونانی می‌داند.<sup>۱</sup>

براساس برخی از روایات اسلامی هم خاک انسان از چهار گوشه زمین جمع‌آوری شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۴). این در حالی است که در برخی از دیگر روایت‌های اسلامی برای آفرینش انسان سخن از پنج خاک مقدس می‌آید که عبارتند از: خاک مکه، مدینه، کوفه، بیت‌المقدس و

۱. کتاب اسرار خنوخ گزارش سفر شصت روزه خنوخ، یکی از پیامبران پیش از توفان نوح، به آسمان‌هاست.

کربلا که همه این مکان‌ها، مکان‌های مقدس اسلامی هستند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۶۸۵)

### مقدس بودن خاک آفرینش

در باور ملل اگرچه انسان از آفرینشی خاکی و پست برخوردار است، اما خاک آن از مکانی برداشته شده که محل آفرینش و گسترده شدن زمین است (۲، ۱۹۵۴م، Eliade). خاک چنین مکانی مقدس است؛ چراکه اولین تجلی و ظهور امر قدسی در آفرینش، با شروع خلقت و در همین نقطه اتفاق افتاده است. یونانیان چنین خاکی را از معبد دلفی<sup>۱</sup> و ایرانیان «ایرانویچ» می‌دانند (دینکرد، ۱۳۹۸ش، ج ۱، ص ۲۹) که ملقب به گِل‌شاه بود (دادگی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۱). در هزوارش آرامی نیز واژه «طینا» به کار رفته و تاریخ مسعودی آن را «مَلِک‌الطین» نامیده است (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ص ۸۵). باور به تقدس خاک آفرینش انسان در تورات هم دیده می‌شود (سفرپیدایش، ۲:۷)؛ جایی که مرکز و ناف زمین است و قربانگاهی برای خدا ساخته شده است (سفرخروج، ۲۰).

اعراب پیش از اسلام باور داشتند که خاک انسان، از مرکز حضور و زندگی آنان (مکه) برداشته شده است؛ جایی که محل آفرینش زمین است (عجینه، ۲۰۰۵م، ص ۱۲۳)؛ باوری که در مجموعه باورهای اسلامی هم وجود دارد و خداوند آن را قربانگاه مقدسی قرار داده است. (سوره مائده: ۹۷) مسجدالحرام، نزدیک‌ترین مکان به آسمان و اولین نقطه آفرینش زمین است و زمین از چهار جهت آن گسترش یافته (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۳۴۲) و باغی از باغ‌های بهشت است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۹).

خاک مقدس دیگری که در آفرینش انسان حضور دارد، خاک کربلاست که هر مکان مقدس شیعی می‌بایست در راستا و محوریت با آن قرار گیرد تا مقدس باقی بماند (شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۷). کربلا ۲۴۰۰ سال

1 .Delphi.

پیش از کعبه آفریده شده و مقدس (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۵۱۵) و حرم امن و زمین مقدسی است (همان، ج ۱۴، ص ۵۱۳) که نوزایی محوری شیعه در آن واقع می‌شود (صیادنژاد، ۱۳۹۸ش، ص ۳۷).

خاک مسجد کوفه، خاک متبرک دیگری است (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۵۷، ص ۲۱۵) که در آفرینش انسان حضور دارد و پیامبر ﷺ در سفر معراج به زیارت آن می‌رود (ابن قولویه، ۱۳۸۸ش، ص ۷۵ و ۷۶). مسجدالنبی ﷺ هم مکان مقدس دیگری است که خاک آن در آفرینش انسان حضور دارد (ابن کثیر، ۱۳۹۸ش، ج ۳، ص ۲۱۴). این خاک مقدس، به واسطه دفن رسول الله ﷺ و دیگر مؤمنین در قبرستان «بقیع»، تقدسی مضاعف پیدا کرده است. چهار خاک پیشین همراه خاک بیت المقدس، به عنوان اولین قبله اسلامی، همگی در سرشته شدن خاک آفرینش آدم مشارکت داشته‌اند و همگی مورد احترام مسلمانان بوده و مقدس هستند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۹۰).

### اندیشه مادر زمین

سرشته شدن جسم انسان از خاک زمین با عنصری آسمانی موجب شده تا فرهنگی با نام «مادر زمین» میان باورهای ملل رواج پیدا کند که براساس آن زمین به عنوان عنصری مادینه، مادر انسان شمرده شود. چنین پیوندی یادآور پیوند آسمان و زمین در روز آفرینش و خلقت همه موجودات است؛ باوری که بیشتر فرهنگ‌های بشری، از اقیانوسیه و اندونزی تا میکرونزی و همچنین در کل آمریکا، وجود دارد (الیاده، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۸). در فرهنگ هندی شوهر به همسر خود می‌گوید که «من آسمانم و تو زمین». (اوپانیشادها، بی تا، ص ۴ و ۲۰) در آثار اوادا<sup>۱</sup> داماد به آسمان و عروس به زمین تشبیه شده‌اند. (الیاده، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸) در باورهای ایرانی هم زمین جنسیت مؤنثی دارد و اوستا زمین

1. Atharvaveda.

را «دختر اهورامزدا» (یسنه، هات ۴۵، بند ۴) و «ردّ زنان» (یسنه، هات ۳، بند ۱) و مادر همه انسان‌ها می‌شمرد. انسان نخستین بر این باور است که کودکان از ژرفای زمین، از «گودال‌ها»، «غارها» و «دره‌های تنگ» متولد می‌شوند. زمین به صورت فیزیکی به زهدانی تشبیه می‌شود که موجودات را به‌عنوان فرزندان خود در برگرفته و بستر رشد و بالندگی آنها را فراهم می‌کند. هومر، زمین را زندگی‌بخش انسان فانی و «حماسه آشیل» آن را پرورش‌دهنده انسان می‌شمارد (الیاده، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۴). در افسانه‌ای در آمریکای شمالی، لنی-لنپ<sup>۱</sup> (قهرمان سرخپوستان)، انسان‌ها برای زمان معینی در دل مادر و در ژرفای زمین، مخفیانه زندگی می‌کنند تا تکامل یابند، پس از آن متولد می‌شوند (دادگی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۰۵).

قرآن در آیه هفدهم سوره نوح می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾؛ «که بیان‌کننده آغاز زندگی نباتی انسان در زمین است. زمین مانند مادری است که از شکاف‌هایی برخوردار بوده: ﴿مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ﴾ (سوره ق: ۶) که با آب‌های آسمان بی‌شکاف، زنده (سوره روم: ۲۴)، و شروع به زایش می‌کند (سوره عبس: ۲۵-۳۲). این مادر به فرزندان خود پناه داده، (سوره مرسلات: ۲۵) با چرخش‌های خود آرامش آنها را فراهم کرده (سوره نازعات: ۳۰) و به آنها غذا می‌دهد (سوره حجر: ۲۰).

در فرهنگ هندی به باور مادر زمین تصریح می‌شود. در اتره ودا آمده: «زمین، مادر است و من فرزند». (اترهودا: کتاب دوازدهم، شعر یک به بعد)؛ باوری که قرآن در اشاره به آن بیان می‌کند: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ﴾؛ «او شما را از زمین آفرید» (سوره هود: ۶۱)؛ باوری که به فقه شیعی هم کشیده شده است. در باورهای اسلامی، نماز مسافر (شخص دور از وطن) شکسته خوانده می‌شود مگر آنکه شخص به وطن، زادگاه و سرزمین مادری خود سفر کرده

1. Lenape.

باشد. (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۹۸، ص ۸۳) براساس باور «مادر زمین» در فقه شیعه چهار مکان مقدس هستند که مسافر می‌تواند در آنجا نماز را به صورت کامل ادا کند: «مِنَ الْأَمْرِ الْمَذْخُورِ إِيْتَامُ الصَّلَاةِ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَحَائِرِ الْحُسَيْنِ..» (شیخ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۴۲)؛ چراکه براساس دیگر روایات شیعی خاک این چهار مکان مقدس در سرشته شدن گل انسان مشارکت داشته‌اند<sup>۱</sup> و همه این مکان‌ها حکم وطن، زادگاه و زمین مادری انسان را دارند. زائران این حرم‌های مطهر در دعاهاى مأثوره، بر حضرت آدم (پدر اول) و حضرت نوح (پدر دوم) انسان درود می‌فرستند (ابن مشهدی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۴۲۷) و زیارت و نماز خواندن هر یک از این مکان‌ها، مساوی با یک حج، به‌عنوان نماد نوزایی اسلامی، به‌شمار می‌آید (شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۹).

اگرچه همه زمین مادر انسان به‌شمار می‌آید اما به دلیل قداست خاک مکان‌های مقدسی که در باورهای شیعی خاک کربلا از برترین آنهاست و حتی در برخی روایات بر کعبه نیز برتری دارد، رسم بر آن است که شیعیان در زمان خاکسپاری میت، مقداری از تربت کربلا را در کفن، دهان یا روی سینه و پیشانی او می‌مالند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۱۶) تا به‌عبارتی همراهی مادر و فرزند به کامل‌ترین صورت انجام پذیرد؛ همان‌گونه که در زمان تولد هم کام نوزاد را با تربت باز می‌کنند.

### خاکسپاری، بازگشت انسان به آغوش مادر

براساس پذیرش باور «مادر زمین»، معنا و مفهوم خاکسپاری انسان پس از مرگ، می‌تواند تفسیر و تبیین جدیدی پیدا کند و دفن شدن انسان در خاک فنا، به‌معنای بازگشت به آغوش مادر و اصل خود تغییر پیدا کند؛ جایی که امکان پرورش و زاده شدن مجدد فراهم است، چنانچه نخستین بار هم انجام شده بود.

۱. «... طِينُ الْأَرْضِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَالْكُوفَةَ وَبَيْتُ الْمَقْدِسِ وَالْحَيْرَ» (کلینی، ۲۲۹ق، ج ۱، ص ۳۹۰).

در این منظر جدید، بدن انسان پس از مرگ به مادر زمین یا قبر (شکاف بدن مادر) سپرده می‌شود. براساس چنین باوری فرهنگ ملل در دقت بیشتری اصرار بر آن دارند تا بدن انسان را به همان خاکی بسپارند که از آن خاک یا سرزمین برخاسته و مراحل از رشد خود را در آن گذرانیده است (الیاده، ۱۳۹۹ش، ص ۱۰۴)؛ چراکه چنین مادری بهتر می‌تواند او را برای زایش در جهانی نو مهیا کند. در اندیشه ایران باستان، انسان بیش از آنکه زاده مادر خود محسوب شود، زاده سرزمین خود است (سرخوش، ص ۱۴۰). همچنین در متنی ودایی به انسان این‌گونه خطاب می‌شود که: «به سوی سرزمینِ مادرت بخز. باشد که تو را از نیستی محض رهاند» (ریگ ودا، X: ۱۰، ۱۸). این باور بیان‌کننده حمایت مادر زمین از فرزندان‌ش است (الیاده، ۱۳۹۴ش، ص ۲۴). براساس همین باور است که انسان‌ها هنگام مرگ، احساسی بیش از خانواده و بستگان، به وطن خود پیدا می‌کنند و آرزو دارند تا در وطن خود دفن شوند (همو، ۱۳۹۹ش، ص ۱۰۵).

گاهی در آیین‌های خاکسپاری اصرار بر آن است که پیش از دفن میت در قبرستان‌های عمومی، حداقل برای لحظاتی جنازه را به منزل و خانه‌ای که در آن زندگی می‌کرده ببرند و لحظاتی تأمل کنند تا روح میت آرامش پیدا کند. در آتارواودا می‌خوانیم: «تو که از زمین هستی، من تو را در زمین می‌نهم» و در مراسم تدفین هم چنین سروده می‌شود که «بگذار گوشت‌ها و استخوان‌ها دوباره به همان زمین باز گردند» (همو، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۵). چنین باوری در مجموعه باورهای فرهنگ رومی این‌گونه خود را نمایان می‌کند که: «مبادا خاکسترهای انسان مرده به دور از وطن دفن شوند. پس با دفن در سرزمین پدری، شادی دوباره ترکیب شدن آنها را فراهم کنید» یا بیان می‌شود: «به اینجا، جایی که زاده شده، آرزوی بازگشت داشت» (همو، ۱۳۹۹ش، ص ۱۰۵). تورات در این باره چنین بیان می‌کند که حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در زمان مرگ به همان خاکی بازگشت که از آن خلق شده بود (سفر پیدایش، ۱۹:۲ و ۲۳:۲).

براساس باورهای اسلامی هم هر جنبه انسان پس از مرگ باید به اصل خود

بازگردد. جنبه آسمانی آن به خداوند ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶)، و جسم انسان هم به مبدأ و مادر خاکی که از آن رویده است: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ﴾ (طه: ۵۵). براساس روایات، هنگامی که خداوند متعال آدم را آفرید، زمین نزد خداوند شکوه و گلایه کرد که از خاک او برداشته و کم شده است. بر همین اساس بهتر است انسان در همان خاکی دفن می‌شود که از آن زاده شده است: «مَنْ خُلِقَ مِنْ تُرْبَةٍ دُفِنَ فِيهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۵).

### قبر خانه انسان

براساس مطالب بیان‌شده، قبر مانند خانه و مسکن و زهدان مادر محلی برای آسایش و تربیت انسان است. در فرهنگ ملل قبور اموات مانند خانه‌های زندگان از احترام خاصی برخوردار بوده و حریم‌هایی شمرده می‌شوند که احداث، ارتباط و ورود به آن، همراه آیین‌های خاصی است. «کوگی»<sup>۱</sup>ها (بومیان شمال کلمبیا)، از گورستان‌ها با عنوان «روستای مرگ» و «خانه آیینی مرگ» یاد می‌کنند و قبر را مانند «خانه» یا «زهدان» می‌شمارند و آیین‌های خاصی برای آن اجرا می‌کنند (الیاده، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۴۰). در چنین آیین‌هایی میت را در حالت جنینی در گوشه‌چپ آن قرار داده و آیین «گشودن» و «بستن»، «خانه - زهدان» را برگزار، و برای آنها «غذای مرگ»، پیشکش می‌کردند (همو، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۴۰). همچنین در برخی از فرهنگ‌های چینی پیش از تاریخ (اتروریا) ظرف خاکستر مرده را به شکل خانه می‌ساختند و در بالای آن راهی برای ورود و خروج روح شخص تعبیه می‌کردند (همان، ۱۳۹۹ش، ص ۱۳۴). در باورهای اسلامی هم از مرگ و قبر به‌عنوان منزل اموات نام برده می‌شود (گیلانی، ۱۴۰۰ش، ج ۱، ص ۱۷۱) که دارای آدابی است که شاهدی بر این مدعا هستند. در باورهای عامیانه مسلمانان، هنگام زیارت قبور با سنگ‌هایی

1. Kogi.

بر سنگ قبر می‌زنند، مانند زمانی که به درب منزل کسی وارد می‌شوند. چنین مکانی برای انسان دیندار، حکم آستانه‌ای برای ورود به دنیای جدید و مقدسی را دارد. این امر موجب می‌شود که تمام حرکات و رفتارهای خاکسپاری با آیین‌های مقدس و خاصی صورت پذیرد تا تناسبی با فضای مقدس جدید داشته باشند.

در چنین منزلی، میت می‌بایست در راستا و استقبال قبله اسلامی، که مقدس‌ترین خانه اسلامی است، قرار گیرد تا آسمانی بودن مسیر حرکت او را نمایان کند؛ چراکه هر خانه مقدسی که همسو و در محاذی خانه مقدس اسلامی نباشد، تقدس خود را از دست خواهد داد و از رحمت خدا دور خواهد شد. (شیخ صدوق، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۰۰) فردی که آیین تدفین را انجام می‌دهد نیز می‌بایست برای حفظ احترام متوفی و خانه ابدی او، کفش‌هایش را از پا درآورد. همچنین می‌بایست طاهر و با سر برهنه باشد و برای ورود و خروج از قبر، از سمت پای میت اقدام کند؛ همان‌گونه که برای ورود و خروج به یک خانه از درب آن استفاده می‌شود.

از آن‌جا که قبر به‌عنوان گذرگاهی برای بازگشت انسان به اصل و مبدأ آسمانی و زمین خود شمرده می‌شود که انسان برای مدتی در آن آرامش و سکونت پیدا می‌کند، حکم منزل و خانه‌ای را دارد که باید به بهترین صورت احداث شود. بهره‌گیری از واژگانی مانند «آرام‌گاه» و «خانه آخرت» برای قبر، به همین باورها اشاره دارد.

در علم اسطوره‌شناسی اگرچه احداث مسکن ممکن است یک حقیقت ساده به نظر برسد اما نمادی از آفرینش کیهان است (Eliade، ۱۹۵۴م، ۵۱). از آن‌جا که آفرینش جهان امری قدسی است، در اعتدالی کامل و چهار جهت کیهانی آفریده شده است؛ انسان هم همواره می‌کوشد تا مسکن‌های خود از جمله قبر را در بهترین مکان‌ها و باثبات‌ترین صورت‌ها، یعنی چهارضلعی احداث کند.

در باورهای اسلامی، مقدس‌ترین و اولین خانه روی زمین، یعنی کعبه



(آل عمران: ۹۶)، همچون «میشکان»<sup>۱</sup> (خانه مقدس یهودیان) از چهار ضلع برخوردار است که مقابل چهار جهت کیهانی قرار دارند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ج ۳، ص ۵۵۷). نام کعبه، که با عدد مکعب و چهار ضلع داشتن تناسب دارد نیز گواه همین مطلب است. میرچا الیاده<sup>۲</sup> با اشاره به تقدس کعبه در باور مسلمانان، آن را مرکز ثابت مطلق می‌داند که چهارگوش بودن آن نمادی از این ثبات، استواری و استحکام آن برای مؤمنین است (الیاده، ۱۳۷۲ش، ص ۳۵۳)؛ همان‌گونه که عرش الهی نیز از چهار پایه برخوردار است که از بیت‌المعمور تا کعبه کشیده شده است (مفید، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۷۸). چنین مکانی، بهترین مکان برای اتصال زمین با آسمان و آستانی برای گذر از یک مرحله کیهانی (نامقدس) به قلمرو دیگر (مقدس) شمرده می‌شده (۳۶، ۱۹۵۴م، Eliade) و منابع اسلامی هم به آن اشاره دارند (مائده: ۹۷).

قبر هم به‌عنوان خانه آخرتی انسان باید از صورت استواری برخوردار باشد. به‌همین دلیل است که چهار گوش بودن و مسقف بودن (سنگ لحد) آن یکی از آداب خاکسپاری اسلامی و از باورهای رایج میان مؤمنین است تا شباهتی با عمل مقدس خانه‌سازی پیدا کند. در منابع روایی شیعی آمده، زمانی که وفات امام باقر علیه السلام نزدیک شد، ایشان به امام صادق علیه السلام همان وصیت حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش را کرد که قبر او در قبرستان «بقیع» را چهارگوش بسازند و سطح آن را هم چهار انگشت از سطح زمین بلند بگیرند. اهمیت این مسئله آن‌گونه بود که امام برای چنین وصیتی شاهدانی را نیز دعوت کرده بودند. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۰۷) بر این اساس می‌توان مبنا و ریشه شیوع

1. Mishkan.

۲. میرچا الیاده (Mircea Eliade) (۱۹۰۷-۱۳۸۶)، اسطوره‌شناس و دین‌پژوه نامدار رومانیایی است. او با فراگرفتن زبان سنسکریت به پژوهش در فرهنگ شرقی و هندی پرداخت و پس از اخذ مدرک دکتری در هند برای تدریس در دانشگاه سوربن دعوت شد. از او آثار بسیاری پیرامون مطالعات ادیان با رویکرد پدیدارشناسی به‌جا مانده است که امروزه از مهم‌ترین منابع پژوهشی در این حوزه مطالعاتی به‌شمار می‌آیند.

چنین شیوه‌ای از خاکسپاری میان شیعیان در قبرستان بقیع را میان تأکیدات امام باقر علیه السلام و پیروی از ایشان دانست؛ آیینی که در سایر خاکسپاری‌های اسلامی نیز اثرگذار بوده است.

در منابع تاریخ اسلامی نقل شده است که کنار قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ستونی قرار دارد که ستون «مُرْبَعَةُ الْقَبْرِ» نامیده می‌شود و نام خود را از چهارگوش بودن قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۲۷). در فقه شیعی مستحب است که قبر مربع یا مستطیل باشد که پس از دفن میت اطرافیان انگشت بر خاک قبر نهاده و این دعا را بخوانند: «اللهم جاف الارض عن جنبیه<sup>۱</sup>...» (کلینی، ج ۳، ص ۱۹۶) که به نوعی خشک شدن زمین از اطراف کعبه در زمان آفرینش را یادآوری می‌کند.

### نمادهای حاضر در آیین‌های خاکسپاری

همواره در مکان‌های مقدس، از جمله زیارت‌گاه‌ها و مدفن‌های مقدسه و آیین‌های گذاری مانند خاکسپاری، شاهد نمادهای فرهنگی مقدسی هستیم که تسهیل‌کننده ارتباط این زمین مقدس با آسمان هستند و بیشتر عبارتند از: درخت، آب، آتش و سنگ.

### نماد آب

نماد آب در اساطیر ملل، نقشی محوری دارد که محمل و تکیه‌گاه آفرینش است. در آیات قرآنی هم همه موجودات از آب خلق شده‌اند (سوره انبیاء: ۳۰). به دلیل نقش پراهمیت این ماده اولیه آفرینش، همواره در جشن‌های نوزایی و آیین‌های گذار، شاهد حضور پررنگ نماد آب هستیم. طهارت آب ریشه در آسمانی بودن آن دارد و هر مکانی که به‌عنوان مکان مقدس و مرکز باورهای دینی و اسطوره‌ای باشد، لاجرم می‌بایست نمادی از حضور آب (چشمه یا

<sup>۱</sup>. بار الها خشک گردان/بگستران زمین را از اطراف این میت... .

حوض) را داشته باشد.

مراسم خاک‌سپاری اگرچه به‌ظاهر یک آیین و مراسم بدرقه و مرگ است اما برخی شواهد حاضر در چنین آیین‌هایی به حقیقتی فراتر از آن اشاره دارد که براساس آن نوعی جوانه زدن میت در عالم فراتری را نوید می‌دهد. در باور ادیان نخستین، انسان موجودی است که جنبه فناپذیری آن یعنی روح، بر جنبه جسمانی و خاکی آن در آیین‌های خاک‌سپاری اثرگذار بوده و به‌خوبی نشان می‌دهند که جسم انسان در یک همراهی با روح، قابل تجدید و زاییده شدن دوباره را دارد. دفن انسان در زمین به‌عنوان مادر اولیه آن، این نوید را می‌دهد که امکان زاده شدن دوباره انسان وجود دارد؛ چنین باوری از آغاز تاریخ وجود داشته و تدفین انسان به‌صورت چمباتمه زده که در درون کوزه قرار داده و در زمین دفن می‌شدند، نمونه‌ای از آنهاست. چنین نوزادی برای امکان جوانه زدن و رشد کردن دوباره، نیازمند تغذیه، آب و ابزار بقاست؛ به همین دلیل هم در باور انسان نخستین، کنار میت غذا و ابزارهای شکار قرار می‌دادند یا همچون فراعنه مصر، مستخدمینی را هم کنار او دفن می‌کردند.

در باورهای اسلامی به‌عنوان دین کامل، همراه کردن غذاهای فانی و جسمانی به صدقات و همراه کردن نور قرآن با میت بدل شده است که معین و مساعد میت در طول مسیر آخرت به‌شمار می‌آید. در روایتی آمده است که فرشتگان الهی صدقاتی که اطرافیان میت انجام می‌دهند را به صورت طبق‌هایی از غذا به قبر میت وارد می‌کنند. (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۴۵) در چنین آیین‌هایی، آب هم، به‌عنوان ماده طهارت‌بخش و زندگی‌آفرین، حضوری جدی پیدا می‌کند که نمونه آنها غسل میت است.

**غسل:** مرگ و رستاخیزهای آیینی با فروروی در آب، یک عملکرد اسطوره‌ای - آیینی شناخته شده است که به نمادگرایی آب مرتبط است. آیین‌هایی همچون غسل یا غوطه‌زدن در آب، آیین‌هایی هستند که همواره طهارت‌بخش بوده و شرطی برای گذار به‌شمار می‌آیند. در مرحله‌ای که انسان

در حال گذار از موقعیتی به موقعیت خاص دیگری است، آب نقش یاری‌رسان را ایفا می‌کند. در آیین شینتو<sup>۱</sup> رسم تطهیر با آب و دوری از آلودگی معمول و رایج است (پیگوت، ۱۳۷۳ش، ص ۶۷) و در باور مسیحیت نیز پولس<sup>۲</sup> معتقد است که غسل تعمید مسیحی موجب می‌شود تا فرد جزئی از وجود پاک عیسی شده و همه گناهان او فرو بریزد و در آب تعمید دفن شده و ما را به زندگی تازه و جدیدی رسانیده (رومیان/ ۴-۶:۳) و به انسان جدیدی تبدیل کند. (دوم قرن/ ۱۷:۵)

غسل و شست‌وشوی میت، همان آب‌تنی یا شست‌وشوی فرد نوآموز (نوکیس) در نهر آب است که در عین اینکه نماد تطهیر و پاکیزگی است، نشانه شستن و محو کردن همه علائق او به دنیاست تا او را آماده سفر به جهانی مقدس کند. (الیاده، ۱۳۹۲ش، ص ۴۳) به همین دلیل هم هست که لباس چنین جهانی رنگ سفید دارد تا نشانه‌ای بر معصومیت و تقدس مقصد داشته باشد. در باورهای اسلامی، لباس میت همانند لباس فرد در حال احرام حج، باید سفید باشد. حج مهم‌ترین آیین نوزایی اسلامی است. همچنین، چنین لباسی مانند لباس احرام حج نباید به عطر آغشته شود؛ چراکه همان نوزایی حج را دنبال می‌کند.

**آب پاشیدن روی قبر:** نقش آب در آیین‌های خاکسپاری به انجام غسل‌های میت محدود نمی‌شود. در باورهای ملل، همواره به امید سبز شدن مجدد انسان به تناسب ویژگی نباتی جسم، مزار میت را آبیاری می‌کنند. در باورهای رایج برخی از مناطق همچون سوریه، فلسطین، مصر و بین‌النهرین، اموات در زمان بهار جوانه می‌زنند و نیازمند آب هستند. بر همین اساس پاشیدن آب روی قبر موجب رفع تشنگی و آرامش میت می‌شود. (الیاده، ۱۳۹۴ش، ص ۱۹۸) ایرانیان هم بر اساس سنتی دیرینه، بر سر قبرها آب می‌ریزند

1. Shinto.

2. Paul.

تا میت از خاصیت طهارت بخشی آب بهره مند شده و امکان جوانه زدن دوباره را پیدا کند. میان مردم عامه جیرفت، برای شادی و حیات دوباره روح در گذشته، روی قبور آب می ریزند. تبرک و تقدس نماد آب ریشه در نور آسمان دارد. در فرهنگ هندی آب، مایع شده نور است و نور هم امری الهی و مقدس است. بر این اساس باید با خاک همراه شود تا ثنویت انسانی دوباره تکمیل گردد.

بنا بر باور ملل از جمله فرهنگ ایرانی، کمال بدن خاکی انسان پس از عدد چهل حاصل می شود. بنابر چنین باورهایی، زاده شدن اولیه در باورهای ایرانی انسان با یک وقفه چهل روزه انجام شد و چهل سال پس از مرگ کیومرث، از نطفه او مشی و مشیانه (اولین زوج ایرانی) رویدند. حضور عدد چهل در آفرینش اسلامی این گونه است که پس از سرشته شدن جسم خاکی انسان، چهل روز به صورتی رها شده باقی ماند تا امکان دمیده شدن روح در آن فراهم آید.

این باور در آیین های خاکسپاری اسلامی با پاشیدن چهل روز آب بر قبر میت، خود را نمایان می کند؛ به امید آنکه در این مدت، عذاب و درد از میت دور شود و امکان رویدن (تولد) دوباره آن را فراهم آید. چنین آیینی را نیز می توان در روایتی از امام علی علیه السلام یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دفن عثمان بن مظعون در قبرستان بقیع، روی قبر او آب پاشید (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۳۸) و پیامبر صلی الله علیه و آله هم به آن سفارش کرده است و در زمان ایشان هم رایج بوده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۷). بر این اساس در فقه اسلامی یکی از مستحبات دفن میت، آب ریختن روی قبر است. (خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۹۱) امام صادق علیه السلام فلسفه این آیین را دور شدن عذاب از میت تا زمان مرطوب بودن خاک بیان می کنند (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۹۵)

## نماد آتش

چنانچه بیان شد، آب مایع شده نور است و باور بر آن است که حضور چنین نمادی موجب دور شدن عذاب از میت می‌شود. کنار آب، آتش هم نماد دیگری است که حضور آن در آیین‌های خاکسپاری، موجب آرامش میت و کم کردن تاریکی قبر می‌شود. بر همین اساس در آیین‌های خاکسپاری همواره یک منبع نور همچون مشعل، فانوس یا شمع در فرهنگ ملل دیده می‌شود. در باور مؤمنین اسلامی هم پس از خواندن نماز وحشت، که همراه کردن نور الهی با میت است، گاه چراغ‌هایی را در منزل میت یا بر مزار او روشن می‌کنند تا از تنهایی و تاریکی قبر و وحشت آن کاسته شود. چنین آیینی در رفتارهای تاریخی مسلمانان دیده می‌شود و روشن کردن آتش در قبرستان بقیع به دست رسول‌الله ﷺ در تاریخ گزارش شده است. (طحاوی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۱۳) مسلمانان در زمان تشییع و دفن اموات در قبرستان بقیع چراغ‌ها یا شمع‌های روشنی را در دست داشتند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۵) و امام صادق علیه السلام در پاسخ فردی که از جواز همراه نمودن آتش و مشعل همراه جنازه سؤال کرده بود با استناد به آیین خاکسپاری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۸۸) و رقیه، دختر پیامبر، (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۱۸) در قبرستان بقیع، آن را اجازه داده‌اند (توضیح بیشتر: ابوطالبی، ص ۷۱).

## نماد درخت

درخت نماد مقدسی است که به دلیل ویژگی‌های طبیعی‌اش همواره نمادی برای نوزایی‌های مکرر جهان به‌شمار می‌آید. بر همین اساس، در زمان‌ها و مکان‌های مقدس و مزارهای شریف حضوری دائم دارد (Eliade, 1954, 2, 158). براساس فرهنگ ملل، درخت از زمان ولادت انسان او را همراهی می‌کند. در ملکم‌بوروگ آلمان، جفت نوزاد را پس از تولد در پای درخت میوه‌ای دفن می‌کنند و مردم اندونزی در محل دفن مشیمه (بچه‌دان) گیاهی می‌کارند. مبنای

هر دو رسم، باور به وجود ارتباطی سری میان رشد درخت و رشد انسان است. (الیاده، ۱۳۹۴ش، ص ۲۹۰) در فرهنگ ایرانی و آفریقایی هم دفن جفت در پای درخت، رسمی جاری است.

درخت افزون بر آیین‌های ولادت، در آیین‌های خاک‌سپاری هم حضوری پررنگ دارد. اقوام سلت، مردگان خود را در ریشه‌ها و تنه‌های خالی درختان دفن می‌کردند تا حیاتشان را جاودانه کنند؛ انگیزه‌ای که گاه با کاشت درخت کنار قبور (زمردی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۹۱) یا قرار دادن گل یا حبوبات بر سر قبور، جریان زندگی و زایش دوباره میت را به صورت نمادین به تصویر می‌کشد. چنین رسمی در باورهای چینی از دیرباز جاری بوده، و درختان قبرستان‌ها را محلی برای مسکن گزیدن ارواح اموات می‌دانستند. آلتایی‌ها معتقدند که ارواح نوزادان مانند پرنده روی درخت کیهانی نشسته‌اند و گاه دخترانی که از زیر آنها گذر می‌کنند را بارور می‌کنند. (الیاده، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۲۱) به همین دلیل، مردمان اوهای آفریقای جنوبی قطع شاخه درختان قبرستان‌ها را ممنوع می‌دانند؛ چراکه در تصرف ارواح هستند. (فریزر، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۸) بر این اساس، همراه نمودن شاخه درختان با میت در قبر موجب بیشتر شدن امید به دور شدن درد و عذاب از میت و امید به زاده شدن دوباره او می‌شود. در باورهای عامه مردم گیلان، طی مراسم «کیشپالی چو» (چوب زیر بغل) دو تکه چوب، معمولاً از درخت به، که دورش را با پنبه یا پارچه پوشانده‌اند زیر بغل جنازه میت می‌گذارند تا همچون عصایی در صحرای محشر او را یاری کند.

درخت، از جمله نمادهایی است که در باورهای اسلامی هم مقدس است؛ چراکه آفرینش آن مستقیماً به اراده الهی انجام شده (سوره انعام: ۱۴۱) و به جهان پیرامونی روشنایی می‌بخشد (سوره واقعه: ۷۱-۷۳) و می‌تواند زمین مرده‌ای را زنده کند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۲۸۰)؛ به دلیل چنین برکتی است که گاه نمادی برای مکان تجلی خداوند (سوره قصص: ۳۰) و مورد قسم او می‌شود (سوره تین: ۱).

درختان مقدس اسلامی نخل و سدر هستند که در آیین خاکسپاری اسلامی هم حضور دارند. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بر گذاشتن دو شاخه درخت نخل، سدر یا بید و انار در جانب میت، با نام جریدتین تأکید فراوان وجود دارد که موجب برداشته شدن پرسش‌ها و عذاب قبر میت می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۵۲). همچنین در غسل‌های پیش از دفن نیز درختانی همچون سدر و کافور مشارکت داشته تا طهارت‌های آیین گذار میت را تکمیل کنند.

چنین آیین‌هایی در قبرستان بقیع هم جریان داشته است. روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حال عبور از قبرستان بقیع بود که صاحب دو قبر را در حال عذاب دید. دستور داد شاخه نخل تازه و سبزی را آوردند و ایشان آن را نصف کرده و بر سر هر دو قبر نهادند تا عذاب از آنها دور شود (طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۳۲۶). چنین باوری موجب شده بود تا نهادن گل و گیاه سر قبور سنتی جاری در قبرستان بقیع شود. عیاشی نقل می‌کند که مردم در قبرستان بقیع گل‌های زیادی را روی قبور اموات خود قرار می‌دادند و خادمین حرم رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گل‌های داخل حرم نبوی را به نیت تبرک به دیگران هدیه می‌دادند (عیاشی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۲۳۹). همین نکته در آثار ورثیلانی هم درج شده است. (ورثیلانی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸۵)

### نماد سنگ

کنار خاک به‌عنوان مادر زمین، سنگ نیز از چنین تقدسی برخوردار است و همواره کنار درخت و آب، در آیین‌های خاکسپاری و مکان‌های مقدس ادیان حضور دارد؛ نمونه آن سنگ کعبه (حجرالاسود) و سنگ سیاه پسینون‌ته<sup>۱</sup> (مربوط به قوم فریژی در مرکز آسیای صغیر)، هستند (الیاده، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۰۷). در دوران قبل تاریخ کنار آرامگاه مردگان سنگ‌هایی را بر سر قبور می‌گذاشتند تا کنار حفظ جنازه از گزند حیوانات، روح میت با این شیء مقدس ارتباط برقرار

1. Passionate.



کرده و از بازگشت به جهان زندگان و آسیب زدن به دیگر انسان‌ها جلوگیری شود (همو، ۱۳۹۴، ص ۲۱۶)؛ چراکه سنگ، روان مرده را ثابت و ساکن نگه می‌دارد (همان، ۱۳۹۴، ص ۲۱۷). به همین منظور تلاش می‌شد تا سنگ قبرها را از سنگ‌هایی که دوام بیشتری دارند، مثل گرانیت، بسازند که نمونه‌هایی از آنها از دوره کشاورزی در اروپای غربی به جای مانده است.

در دوره نوسنگی هم با اینکه خانه‌های روستاییان محقر و کم‌دوام بود اما سکونتگاه‌های مردگان را از سنگ می‌ساختند تا به نوعی احترام به اموات و اجداد خود را به نمایش بگذارند (الباده، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۵۸). در همین راستاست که اگر شخص مرده از جادوگران یا جنگ‌جویان بزرگ بود، بناها و سنگ‌های برافراشته شده از عظمت بیشتری برخوردار بودند تا حفاظت زندگان از آسیب‌های احتمالی ارواح بزرگ آنها میسر شود؛ چنین نمادهایی را می‌توان در «شیرهای سنگی» در فرهنگ برخی از اقوام ایرانی هم دید.

در آیین‌های خاکسپاری اسلامی هم قرار دادن سنگ بر قبور اموات و نوشتن اسم میت بر آنها یکی از مستحبات تدفین و خاکسپاری شمرده می‌شود. پیامبر اسلام ﷺ هم زمانی که عثمان بن مظعون را در قبرستان بقیع دفن کردند (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۷)، سنگی را بالای قبر او نهادند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۲) و به گفته ابن اثیر، برای زیارت آن به قبرستان بقیع می‌رفتند (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۹۶). امام علی علیه السلام هم پس از دفن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در قبرستان بقیع سنگی را بر قبر ایشان قرار دادند (طبری آملی، بی تا، ص ۱۲۷). پیش از آن هم خود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر باقی ماندن سنگ قبر عمویش حمزه علیه السلام مداومت داشتند (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۸۱). بر این اساس، آیین قرار دادن سنگ بر قبور بقیع، از اوایل دوره اسلامی رواج پیدا کرد و گزارش‌های متعددی از سنگ قبر امام حسن علیه السلام و ام‌السلمه در تاریخ وجود دارد. سنگ قبرهای بقیع به دو صورت ایستاده و خوابیده بر قبر نهاده می‌شدند و بعدها با نوشتن نام و یا بیت شعری گسترش

پیدا کردند. (کیکاووس میرزا قاجار، ۱۳۹۹ش، ص ۵۰۶) اگرچه کاربرد عرفی و اولیه‌ای که از نهادن سنگ روی قبر به ذهن می‌آید، تعیین قبور بستگان فوت شده است اما باید توجه داشت که همه نمادهای رایج در باور ملل، علاوه بر کاربردهای عرفی از کارکردهای نمادین هم برخوردار هستند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس مطالب پیشین می‌توان بیان داشت که باورها و آیین‌های دینی کنار کارکردهای آسمانی آنها، از کارکردهای اجتماعی نیز برخوردار هستند. چنین آیین‌هایی ریشه در مبانی فرهنگی، عوامل روانی و باورهای اجتماعی دارند و یک ضرورت به‌شمار می‌آیند که می‌بایست حفظ و تبیین آنها متناسب با جامعه معاصر بازخوانی شود.

آیین‌های خاکسپاری در باورهای اسلامی، در مشابهتی با باور سایر فرهنگ‌ها و ملل از هویتی دینی برخوردار هستند که با الگوگیری از رهبران دینی، به‌خصوص سیره رسول‌الله ﷺ در خاکسپاری‌های قبرستان بقیع، تداوم نظام اجتماعی مسلمانان را سامان داده و تضمین می‌کنند. چنین آیین‌هایی از اهمیت بسیاری برخوردار هستند؛ چراکه اولاً بقیع نخستین قبرستانی است که در دوره اسلامی بنا نهاده شد؛ ثانیاً کشف و بنیان‌گذاری این قبرستان توسط بنیان‌گذار و پیامبر آسمانی دین اسلام ﷺ انجام شده است. بر این اساس، می‌توان چنین آیین‌هایی را اصیل و مطابق با فرهنگ و روح دین اسلام دانست. آیین‌هایی همچون، غسل میت، همراه نمودن درختان مقدس یا شیوه احداث خانه آخرت انسان، اگرچه بدرقه‌ای از جانب جامعه اسلامی برای مؤمنین به‌شمار می‌آیند اما به‌دلیل ریشه‌های فرهنگی و دینی آنها بدون تردید موجبات نوزایی و بقای جامعه دینی خواهند بود. چنین آیین‌هایی از زمان حیات رسول‌الله ﷺ و سیره دینی ایشان در قبرستان بقیع در دفن اموات اسلامی تأکید شده‌اند و می‌بایست برای حفظ آنها کوشید.

## منابع

۱. ابن ابي شيبة، عبدالله بن محمد (۱۹۸۹م)، المصنف، چاپ اول، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۲. ابن اثير، علي بن محمد (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت، دارالفكر.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، مسند احمد، بيروت، دارصادر.
۴. ابن زبالة، محمد بن حسن (۱۴۲۴ق)، اخبار المدينة، مكة، مركز البحوث و الدراسات المدينة المنورة.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، چاپ اول، بيروت، دارالكتاب العلمية.
۶. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۰ق)، تاريخ المدينة المنورة، قم، دارالفكر.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۲ق)، مناقب آل ابي طالب، بيروت، دارالاضواء.
۸. ابن قتيبة، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق)، الامامة و السياسة، بيروت، دارالاضواء.
۹. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۷۷ش)، ترجمه كامل الزيارات، ترجمه محمدجواد ذهني تهراني، تهران، پیام حق.
۱۰. ابن قيم جوزية، محمد بن ابي بكر (۱۴۱۶ق)، بدائع الفوائد، چاپ اول مكة المكرمة، مكتبة نزار مصطفى الباز.
۱۱. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۳۹۸ق)، البداية و النهاية، بيروت، دارالفكر.
۱۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۳۷۸ش)، المزار الكبير، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۱۱ق)، مختصر استدرک الحافظ الذهبي علی مستدرک ابي عبدالله الحاكم، رياض، دار العاصمة.
۱۴. ابن حيون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ش)، دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۵. ابوطالبي، عمار (۱۳۹۸ش)، واکاوی جایگاه فرهنگي و تمدني بقیع، رساله دکتری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۶. الیاده، میرچا (۱۳۶۷ش)، افسانه و واقعت، چاپ اول، نصرالله زنگویی، تهران، انتشارات، پایپروس.
۱۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴ش)، اسطوره بازگشت جاودانه، بهمن سرکاراتی، تهران، طهوری.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵ش)، رساله در تاريخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۱ش)، اسطوره و واقعت، مانی صالحی علامه، تهران، پارسه.
۲۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲ش)، آئين ها و

- نمادهای تشرف، چاپ اول، مانی صالحی، تهران، نیلوفر.
۲۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴ش)، نمادپردازی امر قدسی و هنر، چاپ اول، محمدکاظم مهاجری، تهران، پارسه.
۲۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵ش)، تاریخ اندیشه‌های دینی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، کتاب پارسه.
۲۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷ش)، مقدس و نامقدس، چاپ دوم، نصرالله زنگویی، تهران، سروش.
۲۴. باجلان فرخی، محمدحسین (۱۳۵۸ش)، «آفرینش جهان در اساطیر چین»، کتاب جمعه، شماره ۴، اول شهریور، تهران.
۲۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۰ق)، موسوعة الحديث الشريف الكتب الستة، مملكة العربية السعودية، دارالسلام.
۲۶. \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، التاريخ الكبير، اشراف الدكتور محمد عبدالمعید خان، دیاربکر، المكتبة الاسلامی.
۲۷. بخش‌سی‌زاده، معصومه (۱۹۹۸م.)، «دوسوگرایی انسان در عرفان اسلامی»، فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۴۲، سال یازدهم.
۲۸. بررتون، جونل‌پی. (۱۳۷۷ش) «فضای مقدس»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، شماره ۲۹.
۲۹. برزنجی، جعفر بن اسماعیل (۱۹۹۸)،
۳۰. بهمنی، پردیس (۱۳۸۹ش)، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، تهران، دانشگاه پیام نور.
۳۱. پاریندر، جنوفری (۱۳۷۴ش)، اساطیر آفریقا، چاپ اول، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر.
۳۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۳۳. حسینی‌زاده، عبدالمجید (۱۳۸۸ش)، «مکان آفرینش آدم ابوالبشر در متون اسلامی و یهودی»، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، پاییز و زمستان.
۳۴. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹ش)، تحریرالوسیلة، قم، نشر مؤسسه آثار امام خمینی.
۳۵. دادگی، فرنیغ، بندهش (۱۳۹۰ش)، گزارنده مهرداد بهار، چاپ چهارم، تهران، توس.
۳۶. رسولی، آرزو، «داستان آفرینش انسان از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی»، تاریخ ایران: شماره ۵.
۳۷. رضی، هاشم (۱۳۴۱ش)، تاریخ ادیان، جلد دوم (میتولوژی اساطیر و افسانه‌ها)، تهران، کاوه.
۳۸. رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۷۷ش)، مرآت الحرمین، قم، مشعر.
۳۹. زمردی، حمیرا (۱۳۸۵ش)، بررسی

۵۰. طحاوی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، شرح معانی الآثار، بیروت، عالم الکتب.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالتعارف للمطبوعات.
۵۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۴ق)، الأمالی للطوسی، قم، دارالثقافه.
۵۳. عجینه، د. محمد (۲۰۰۵م)، موسوعة اساطیر العرب عن الجاهلیة و دلالاتها، بیروت، دار الفارابی.
۵۴. عیاشی، عبدالله بن محمد (۲۰۰۶م)، الرحلة العیاشیة، ابوظبی، دارالسویدی للنشر و التوزیع.
۵۵. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۲ق)، إحياء علوم الدین، چاپ اول، بیروت، دارالصادر.
۵۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، روضة الواعظین، قم، شریف رضی.
۵۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، العین، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۸. فریزر، جیمز جورج (۱۳۸۴ش)، شاخه زرین، چاپ دوم، کاظم فیروزمند، تهران، آگاه.
۵۹. فیروزی، جواد و حقیقت، میمیه (۱۳۹۳ش)، «اسطوره‌های آفرینش انسان در مصر و بین‌النهرین»، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه ارده بان، سال هشتم،
- ادیان و اساطیر، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار.
۴۰. ژیران، ف. (۱۳۷۵ش)، فرهنگ اساطیر یونان، چاپ اول، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، انتشارات فکر روز.
۴۱. سرخوش، فائقه (۱۳۸۹ش)، اسطوره آسمان و زمین زمین و آسمان در باور ایرانیان، تهران، ترفند.
۴۲. سمهودی، علی بن عبدالله (۱۴۱۹ق)، وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۴۳. شاله، فیلیسین (۱۳۵۵ش)، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، منوچهر خدایار محب، تهران، طهوری.
۴۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷ش)، النخصال، تهران، کتابچی.
۴۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰ش)، علل الشرائع، چاپ اول، ترجمه ذهنی تهرانی، ایران، قم.
۴۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، چاپ اول، قم، کتاب‌فروشی داوری.
۴۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۵ق)، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء.
۴۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۹. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، دلائل الامامة، قم، دارالذخائر.

- شماره ۱۵، بهار و تابستان، ۱۳۹۳.
۶۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، مکتبه‌الامیرالمؤمنین.
۶۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۴ق)، **الجامع الاحکام القرآن**.
۶۲. کاویانی پویا، حمید (۱۳۹۹ش)، «بررسی تطبیقی آفرینش انسان در اساطیر و ادیان ایران و میانرودان»، **الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)**، سال هشتم، شماره هفدهم، بهار و تابستان.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، **الکافی**، قم، دار الحدیث.
۶۴. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق)، **الزهد**، قم، المطبعة العلمية.
۶۵. کیکاووس میرزا قاجار (۱۳۹۵)، «**مسالك السالکین** (سفرنامه مکه)، شانزده سفرنامه حج صفوی و قاجاری دیگر، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم.
۶۶. گیلانی، محمد هاشم (۱۴۰۰ق)، **مصباح الشریعة**، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۲ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث.
۶۸. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق)، **لوامع صاحبقرانی**، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۶۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**، قم، اسماعیلیان.
۷۰. مسعودی، علی بن حسین، (بی‌تا)، **مروج الذهب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷۱. مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، **صحیح مسلم**، چاپ اول، القاهرة، دارالحدیث.
۷۲. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، **تصحیح اعتقادات الإمامیة**، قم، المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید.
۷۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت، مؤسسه آل‌البيت.
۷۴. واخ، یواهم (۱۳۹۴ش)، **جامعه‌شناسی دین**، چاپ ششم، جمشید آزادگان، تهران، سمت.
۷۵. وبر، هربرت جورج (۱۳۷۶ش)، **کلیات تاریخ**، چاپ سوم، مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش.
۷۶. ورثیلانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، **الرحلة الوریثیانیة الموسومة بنزهة الأنظار فی فضل علم التاریخ و الأخبار**، مصر، قاهره، مکتبه‌الثقافة الدینیة.
۷۷. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷ش)، **جامعه‌شناسی ادیان**، عبدالرحیم گواهی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیبان.
۷۸. همدانی، شیخ آغارضا بن محمد هادی (بی‌تا)، **مصباح الفقیه**، قم، المؤسسة الجعفریة لإحياء التراث.

۷۹. همیلتون، ملکوم (۱۳۷۷ش)،  
جامعه‌شناسی دین، تهران، مؤسسه فرهنگی  
انتشاراتی تبیان.

۸۰. هوک، ساموئل (۱۳۸۱ش)، اساطیر  
خاورمیانه، علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس  
مزدایور، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.

**81. Eliade, Mircea, A History  
of Religious Ideas, Translated  
from the Willard R, Trask,  
1978, The University of  
Chicago Press.**

**82. <sup>۸۴</sup>.Eliade, Mircea, The  
Myth of Eternal Return,  
Translated from the French  
by Willard R. Trask,  
Pantheon book, 1954.**

**83. Eliade, Mircea, The Sacred  
and The Profane: the nature  
of religion, Translated from  
the French by Willard R.  
Trask, A Harvest book and  
world, New York, 1959.**